

The Role of Islamic Jurisprudence in Strengthening the Religious Society

Iman Kakavand

M.A student

imankakavandzaman@yahoo.com



Abstract

Islamic jurisprudence possesses a unique capacity to strengthen the religious society. These capacities have been emphasized by the religious lawmaker since the early days of Islam and are incorporated under various titles throughout jurisprudence. With the implementation of these capacities, a strong and cohesive society can be achieved. From the time of his migration, the Prophet of Islam paid special attention to these elements to establish a solid Islamic society and to introduce jurisprudential factors that contribute to societal strength. This study identifies and analyzes the factors and capacities within Islamic jurisprudence that promote unity and social cohesion. It concludes that if these capacities are properly acknowledged, strengthened, and implemented, the Islamic society will increasingly become more robust. These capacities are examined in three sections: the first addresses devotional jurisprudence (*fiqh-e 'ebadi*), the second judicial jurisprudence (*fiqh-e qazai*), and the third political/governmental jurisprudence (*fiqh-e hokumati*). In devotional jurisprudence, these include communal acts of worship; in judicial jurisprudence, an independent, just, and powerful judiciary; and

* Kakavand, I. (2022). The role of Islamic jurisprudence in strengthening the religious society. *Journal of Fiqh and Politics*, 3(5), pp. 167-192. <https://doi.org/10.22081/ijp.2025.66338.1041>

▣ **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). ***Type of article:** Research Article

▣ **Received:** 2023/04/19 • **Revised:** 2025/02/15 • **Accepted:** 2025/04/26 • **Published online:** 2025/05/08

in governmental jurisprudence, efforts to preserve *wilayah* (guardianship) as a position of both material and spiritual leadership. Based on these findings, jurisprudence has a strong potential for promoting social cohesion and, contrary to oppositional claims, Islamic jurisprudence is comprehensive in managerial theories, embedded in its classical texts.

Keywords

Cohesion, society, community, Islamic jurisprudence, capacity.





مكانة الفقه الإسلامي في تقوية المجتمع الديني

إيمان كاكاوند

طالب ماجستير.

imankakavandzaman@yahoo.com



الملخص

إن الفقه الإسلامي يتمتع بقدرة خاصة على تقوية المجتمع الديني. وقد أكد الشارع الكريم على هذه القدرات منذ صدر الإسلام، وأدرجها في الفقه تحت مسميات مختلفة. وبتطبيق هذه القدرات، يمكن رؤية مجتمع قوي. ومن خلال تطبيق هذه القدرات، يمكننا أن نشهد مجتمعاً قوياً. لقد اهتم نبي الإسلام منذ الهجرة بهذه العناصر من أجل إيجاد مجتمع إسلامي قوي، وإدخال العوامل والإمكانات الفقهية لتقوية المجتمع، وبذل الجهود لتعريف الناس بها. في هذه الدراسة، يتم استخلاص العوامل والقدرات الموجودة في الفقه الإسلامي للحفاظ على الوحدة والتماسك الاجتماعي، وفي النهاية، يتم التوصل إلى استنتاج مفاده أنه إذا تم الاهتمام بهذه القدرات وتعزيزها وتطبيقها، فإن قوة المجتمع الإسلامي ستزداد يوماً بعد يوم. تتم مناقشة هذه القدرات في ثلاثة أجزاء. يتناول الجزء الأول الفقه العبادي، ويناقش الجزء الثاني الفقه القضائي، ويختتم بمناقشة الفقه الحكومي. وتتضمن العناوين المذكورة أعلاه في الفقه العبادي العبادة الجماعية، وفي الفقه القضائي تشمل القضاء العادل والقوي، وفي الفقه الحكومي تشمل السعي إلى الحفاظ على "الولاية" في موقع

* إقتباس من هذا المقال : كاكاوند، إيمان. (١٤٠١) مكانة الفقه الإسلامي في تقوية المجتمع الديني. الفقه والسياسة، العدد ٣(٥)، صص ١٦٧-١٩٢.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2025.66338.1041>

□ نوع المقالة: بحثية محكمة؛ الناشر: مكتب إعلام الإسلامي في حوزة قم (المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران) © المؤلفون

□ تاريخ الاستلام: ٢٠٢٣/٠٤/١٩ • تاريخ التعديل: ٢٠٢٥/٠٢/١٥ • تاريخ القبول: ٢٠٢٥/٠٤/٢٦ • تاريخ الإصدار: ٢٠٢٥/٠٥/٠٨

١٦٩
فقه
سياسي

جايلگاه فقه اسلامي در استحكام جامعه ديني

السيادة والقيادة المادية والمعنوية للمجتمع. وبناء على هذه النتائج فإن الفقه لديه القدرة على خلق التلاحم الاجتماعي، وعلى عكس الآراء المعارضة فإن الفقه الإسلامي يتضمن نظريات إدارية متضمنة في النصوص الفقهية.

الكلمات الرئيسية

التقوية، الجماعة، المجتمع، الفقه الإسلامي، القدرة.



جایگاه فقه اسلامی در استحکام جامعه دینی

ایمان کاکاوند

دانشجوی کارشناسی ارشد

imankakavandzaman@yahoo.com



چکیده

فقه اسلامی از ظرفیت ویژه‌ای برای استحکام جامعه دینی برخوردار است. این ظرفیت‌ها از صدر اسلام تاکنون مورد تأکید شارع مقدس بوده و با عناوین گوناگون در جای‌جای فقه گنجانده شده است. با عملی شدن این ظرفیت‌ها می‌توان جامعه‌ای مستحکم را شاهد بود. پیامبر اسلام نیز از زمان هجرت برای ایجاد جامعه مستحکم اسلامی و معرفی عوامل و ظرفیت‌های فقهی استحکام جامعه، توجه ویژه‌ای به این مولفه‌ها داشته و تلاش در معرفی آن‌ها به مردم داشتند. در این پژوهش عوامل و ظرفیت‌هایی که در فقه اسلامی برای حفظ وحدت و تحکیم اجتماعی وجود دارد، استخراج شده و در پایان چنین استنتاج می‌شود که در صورت توجه، تقویت و عمل به این ظرفیت‌ها، روز به روز بر استحکام جامعه اسلامی افزوده خواهد شد. این ظرفیت‌ها در سه بخش بحث می‌شوند. بخش اول فقه عبادی، بخش دوم فقه قضایی و در پایان فقه حکومتی مورد بحث قرار می‌گیرد. این عناوین در فقه عبادی شامل عبادات جمعی، در فقه قضایی، قوه قضاییه عادل و قدرتمند و در فقه حکومتی، تلاش برای حفظ ولایت در جایگاه حاکمیت و رهبری مادی و معنوی جامعه است. براساس این یافته‌ها، فقه دارای ظرفیت بالقوه‌ای برای ایجاد تحکیم اجتماعی بوده و برخلاف نظریات معاند، فقه اسلامی جامع‌تئوری‌های مدیریتی است که در متون فقهی گنجانده شده‌اند.

کلیدواژه‌ها

تحکیم، اجتماع، جامعه، فقه اسلامی، ظرفیت.

* **استناد به این مقاله:** کاکاوند، ایمان. (۱۴۰۱). جایگاه فقه اسلامی در استحکام جامعه دینی. فقه و سیاست، سوم (۵)، صص ۱۶۷-۱۹۲.
<https://doi.org/10.22081/ijp.2025.66338.1041>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۳۰؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۱/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۶؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۲/۱۸

بیان مسئله

استحکام و اتحاد اجتماعی از ضرورت‌های بدیهی و ضروری جوامع انسانی است. جوامع بشری برای رسیدن به اهداف و آرمان‌های خود و رسیدن به جامعه ایده‌آل باید به عوامل خاصی تمسک کنند. تمسک به مناسبات و مراسمات خاص در هر ایدئولوژی سبب حصول نتایج مطلوب آن ایدئولوژی می‌شود (فارابی، ۱۳۵۹، ص ۲۵۸). از نتایج مطلوب هر ایدئولوژی، تحکیم اجتماعی جامعه موثر از آن ایدئولوژی است. هر جامعه‌ای برای رسیدن به این هدف طرح و برنامه‌ریزی‌های متفاوتی را در پیش می‌گیرد. در جوامع غیر الهی برای نیل به این هدف از عوامل مادی استفاده کرده و با تأمین نیازهای مادی جوامع، خود را از انشقاق حفظ می‌کنند. در جامعه اسلامی نیز براساس جهان‌بینی و ایدئولوژی خدامحوری برای ایجاد وحدت و تحکیم اجتماعی از عناوینی استفاده می‌کند که ترکیبی از نیازهای مادی و معنوی انسان‌ها است. فقه اسلامی با بیان هنجار و حقوق انسان‌ها به ترسیم کنش‌های مطلوب برای جامعه می‌پردازد و تحقق احکام اجتماعی را غایت فقه بیان می‌کند (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۲۱، ص ۲۸۹)؛ بنابراین ظرفیت‌هایی که در فقه اسلامی برای استحکام جامعه نهادینه شده، تئوری مدیریتی جامعه اسلامی می‌باشد. این مقاله در صدد این است که ظرفیت‌های تحکیم اجتماعی که در فقه وجود دارد استخراج و مورد بحث قرار دهد.

پیشینه تحقیق

طرح مسئله اتحاد و استحکام اجتماعی در جامعه مسلمین افزون بر اینکه یک موضوع عقلی - بدیهی می‌باشد، از صدر اسلام مورد توجه رسول خدا ﷺ بوده و خداوند نیز در قرآن بر اهمیت آن تأکید کرده است. اتحاد راز پیشرفت هر جامعه انسانی است و هر پیشرفتی در سایه وجود انسجام اجتماعی حاصل می‌شود؛ بنابراین پیشینه این مسئله به درازای تاریخ اجتماعی بشر است و همواره بشریت در جستجوی راه‌های تحکیم اجتماعی خود بوده است. این موضوع در آثار مختلفی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم مورد بحث و بررسی قرار گرفته است و محققین مختلفی از زوایای مختلف

موضوع تحکیم اجتماعی را بررسی کردند. اما بررسی این موضوع در فقه اسلامی موضوعی جدید و نو است. به طور اساسی بحث تحکیم اجتماعی از مسائل جامعه‌شناسی بوده و در فقه به صورت مستقیم بررسی نشده است، به همین دلیل هیچ باب فقهی تحت این عنوان وجود ندارد. ابواب فقهی بیشتر ناظر به احکام فردی بوده و با رویکرد فردی احکام را بیان کردند، در حالی که مسئله تحکیم اجتماعی جامعه از موضوعات فقه اجتماعی است. در فقه اجتماعی موضوع فعل مکلف نیست بلکه فعل مکلفین مورد بحث است. در این فقه از مجموعه افعالی بحث می‌شود که مخاطب آن جامعه بوده و جامعه به صورت یک واحد کلی موظف به عمل به آن می‌باشد. در طول تاریخ فقه، مسائل اجتماعی به دلایل مختلفی به صورت مستقل بحث نشدند و فقها مسائل فقه اجتماعی را در میان مباحث فقه فردی جایگذاری کردند به همین دلیل با تتبع در فقه فردی می‌توان مصادیق احکام اجتماعی را نیز استخراج کرد. پژوهش حاضر در صدد استخراج گزاره‌هایی در فقه است که از صدر اسلام تا کنون با عناوین و عبارات مختلف در بیان شرع برای تحکیم جامعه بیان شده است. این عناوین و گزاره‌ها در طول هزار سال تاریخ اسلام همواره مورد توجه بوده و هر چند به صورت مستقل بیان نشدند اما به صورت غیر مستقیم عامل تحکیم اجتماعی مسلمین بوده است. استخراج این گزاره‌ها و عناوین، کاری نو و جدید بوده و بیان مستقل این گزاره می‌تواند اقدامی موثر در طراحی الگوهای فقه اجتماعی در ارتباط با ایجاد وحدت و تحکیم در جامعه باشد. این پژوهش با تقسیم بندی فقه به بخش‌های سه گانه، در هر بخش گزاره تحکیم بخش جامعه را با بررسی می‌کند.

مفهوم شناسی تحکیم جامعه اسلامی

معنای تحکیم در لغت

تحکیم از ریشه «حکم» اخذ شده است. برای این واژه در کتب لغت معانی مختلفی ذکر شده است. برخی واژه «حکم» را به معنای وثاقت و عدم اختلاف و اضطراب معنی کرده‌اند (الزبیدی، بی تا، ج ۳۱، ص ۵۲۲)، برخی نیز در معنای این واژه عباراتی مانند: عدل و

منع از ظلم، علم، حلم و هر آنچه که ضد معنای فساد باشد ذکر کردند (فراهیدی، بی تا، ج ۳، ص ۶۶، ج ۲، ص ۳۸). در منابع لغتی نیز علاوه بر این معانی، معانی دیگری مانند: قضا، اتقان، استواری، تفقه در دین، نیز ذکر شده است (فیومی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۷۸؛ زمخشری، ۱۴۱۹، ص ۱۳۷؛ جوهری، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۹۰۲؛ ازهری، بی تا، ج ۴، ص ۶۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۱۴۱؛ ابن فارس، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۹۲).

معنای جامعه در لغت

در کتاب‌های لغت برای این واژه معنای یکسان و واحدی بیان شده است و عبارات کتاب‌های مربوطه دارای اشتراکات یکسانی هستند. این کلمه از ریشه «جمع» بوده و از نظر لغوی اسم فاعل مونث است. این کلمه به معنای گردآورنده و جمع کننده است و به دو صورت مصدر و اسم مصدر استعمال می‌شود. معنای این کلمه از لحاظ مصدری به معنای کنار هم قرار گرفتن و مشارکت عده‌ای از انسان‌ها یا اشیای متفرق است که برای یک هدف و یک فعالیت مشخص گرد هم جمع می‌شوند. معنای این کلمه از لحاظ اسم مصدری به مجموعه انسان‌ها یا حیوانات گفته می‌شود که با هم وحدت دارند و به عبارت دیگر اسم برای مجموعه‌ی انسانی یا حیوانی است (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۸۲۸؛ فیروزآبادی، بی تا، ج ۱، ص ۷۱۰؛ صاحب بن عباد، بی تا، ج ۱، ص ۴۱؛ زبیدی، بی تا، ج ۲۰، ص ۴۵۲؛ ابن فارس، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۴۷۹؛ فیومی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۰۸).

معنای جامعه در اصطلاح

برای تعریف جامعه در اصطلاح تعاریف گوناگونی بیان شده است و تعاریف واحدی وجود ندارد. برخی جامعه را صرفاً حاصل تعاون و همکاری افراد می‌دانند (ابن سینا، ۱۳۷۷، صص ۳۱۹ - ۳۲۰). برخی جامعه را به جمعیتی سازمان یافته از اشخاص می‌دانند که با هم در سرزمینی مشترک سکونت دارند. این جمعیت با همکاری یکدیگر نیازهای اجتماعی همدیگر را تأمین می‌کنند و با مشارکت در فرهنگی مشترک، یک واحد اجتماعی شناخته می‌شوند. (نیک گهر، ۱۳۶۹، ص ۹۹). برخی از نویسندگان، جامعه را

مجموعه‌ای از انسان‌ها می‌دانند که در یک محدوده جغرافیایی در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و اثرات مستقیم و غیر مستقیمی بر یکدیگر دارند. این انسان‌ها براساس یک مجموعه قوانین، روابط یکدیگر را تنظیم می‌کنند و هر کدام یک وظیفه بر عهده دارند. در نهایت این مجموعه انسانی براساس اهدافی که دارند قوانین خود را تدوین کرده و به سمت هدف واحدی حرکت می‌کنند (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۳۳۱)؛ بنابراین جامعه را در یک تعریف کوتاه و جامع می‌توان چنین تعریف کرد: جامعه به کل واحد اجتماعی انسانی که هدف و قوانین مخصوصی دارند گفته می‌شود (اراکی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۱۱).

تعریف جامعه مستحکم

براساس معنایابی واژگان جامعه و تحکیم، جامعه مستحکم را می‌توان جامعه‌ای تعریف کرد که افراد آن جامعه، دارای صفات خاصی می‌باشند. صفات این جامعه وثاقت، استواری، ثبات علمی، اعتقادی، دینی و مذهبی می‌باشند. در جامعه‌ی مستحکم تمامی اهداف و برنامه‌ریزی‌های افراد آن جامعه براساس یک هدف واحد طراحی شده است. این جامعه براساس معیارهای واحدی که حاصل اعتقادات مجموعه افراد آن جامعه هستند روابط بین خود را کنترل می‌کنند و با عمل به قوانین و حرکت در یک مسیر واحد معنای جامعه‌ی مستحکم را در عمل اجرایی می‌کنند. این جامعه در نهایت جامعه‌ای متسحکم می‌شود که نتیجه آن تربیت انسان‌هایی متعالی خواهد شد. هدف جامعه مستحکم براساس محکم‌ترین مبانی اعتقادی شکل می‌گیرد. زیرا مستحکم‌ترین جامعه انسانی از مستحکم‌ترین مبانی اعتقادی شکل می‌گیرد؛ بنابراین جامعه مستحکم برای نیل به هدف خود به دنبال راه‌هایی می‌شود که تا ابد ضامن استحکام آن جامعه باشد.

تعریف جامعه اسلامی

جامعه‌ی اسلامی، جامعه‌ای است که رأس آن خدا قرار داشته باشد. شاخصه اصلی این جامعه عدل اخلاقی است (بهشتی، ۱۳۶۱، ص ۲۳). عدل اخلاقی رعایت استحقاق‌ها،

لیاقت، شایستگی، در تصمیم‌گیری و اقدام است (بهشتی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۳). در جامعه اسلامی قوانین، حدود و مرزها، روابط انسانی، عزل و نصب‌ها و جمیع مناسبات بین مردم ذیل اوامر و نواهی الهی قرار داده می‌شود. این جامعه فاقد هرگونه ظلم، تبعیض، فقر، جهل و اسراف است. هدف از جامعه اسلامی تربیت انسان کامل و به تبع ایجاد جامعه کامل برای رسیدن به خداست (مظفری، بی‌تا، ص ۷۷). در جامعه اسلامی بینش و منش افراد و نهادهای اجتماعی براساس معارف اسلامی تدوین می‌شود و سرزمین خود را محل بروز و ظهور عملی شریعت قرار می‌دهد (خطیبی، ۱۳۸۴، ص ۱۵). وجه تمایزی که بین جوامع اسلامی با غیر اسلامی وجود دارد در آرمان و هدف این دو جامعه است. در جامعه اسلامی بر خلاف جوامع غیر اسلامی هدف صرفاً نیل به دنیا نیست بلکه رسیدن به سعادت دنیا و آخرت هدف و مقصد نهایی جامعه اسلامی است (طباطبایی، ۱۳۸۲، صص ۲۳، ۲۷، ۴۱)؛ بنابراین جامعه اسلامی جامعه‌ای است که ضوابط و مقررات آن براساس اصول و مبانی مشخص و نیز مبنای نظام حقوقی و مناسبات اجتماعی آن بر پایه تعالیم قرآن و حاکمیت اسلام است. در جامعه اسلامی معیار سنجش رفتار و کردار مردم و مسئولین، دین و تعالیم و حیاتی می‌باشد (واعظی، ۱۳۷۷، ص ۷۰).

تعریف جامعه اسلامی مستحکم

تعریف جامعه اسلامی مستحکم در دید نگارنده، جامعه‌ای است که در آن مجموع قوانین، اهداف، رفتار، گفتار و مجموعه احکام عملی افراد آن جامعه براساس شریعت تنظیم شده باشد و همه افراد جامعه به یک هدف واحد بنگرند و تمام تلاش خود را برای رسیدن به آن هدف به کار گیرند. با این توصیف چون مبانی شریعت محکم‌ترین مبانی علمی و اعتقادی هستند می‌توان نتیجه گرفت محکم‌ترین جامعه انسانی، جامعه‌ای می‌تواند باشد که زیربناهای اعتقادی و علمی خود را از شریعت مقدس اسلامی اخذ کند. در غیر این صورت شاهد جامعه محکمی نخواهیم بود.

فقه اسلامی برای ایجاد جامعه‌ای اسلامی مستحکم در بطن خود، گزاره‌ها و عناوینی دارد که تحقق خارجی این عناوین و تقویت آن‌ها می‌تواند جامعه‌ی ایده‌آل اسلامی را

رقم بزند. این گزاره‌ها و عناوین در این پژوهش پس از تقسیم بندی فقه به سه بخش و بررسی هر بخش از فقه مورد بحث قرار خواهد گرفت.

تقسیم بندی فقه اسلامی

کهن ترین تقسیم بندی ابواب فقهی مربوط به زمان کلینی علیه السلام است. ایشان در کتاب اصول کافی پس از دو جلد اول که به مسائل اعتقادی و اخلاقی می پردازد در پنج جلد بعدی مباحث فقهی را در پنج دسته بیان می کند. در دسته اول ابواب عبادات، در دسته دوم ابواب معیشت، در دسته سوم ابواب نکاح، در دسته چهارم احکام ارث و وصایا و در دسته آخر احکام حدود و دیات را بیان می کند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۴۴۹، مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۴۹۰). پس از کلینی در فقه شیعی قدیم ترین طرح ها در مراسم سلار بن عبد العزیز دیلمی، مهذب قاضی عبد العزیز بن براج و کافی أبو الصلاح حلبی می باشد. أبو الصلاح حلبی تکلیف شرعی را بر سه قسم می داند که آن را به ترتیب: عبادات، محرمات و احکام خوانده است. او در مبحث عبادات، به جز عبادات مصطلح مشهور (نماز، روزه، حج، زکات، و خمس، و جهاد) تعدادی از مباحث بخش عقود و معاملات (از قبیل نذر و عهد و وصایا) را نیز گنجانیده و دیگر مباحث های فقه را در مبحث احکام جای داده است. ابن براج در مهذب، احکام شرعی را دو بخش می کند. بخشی برای احکامی که مورد ابتلای همگان است و بخشی برای احکامی که چنین نیست. احکام نوع نخست، همان عبادات هستند که به همین دلیل نیز مقدم بر دیگر ابواب فقه ذکر می گردند و هیچ گونه تقسیم و تبویب خاص دیگری برای احکام فقهی ذکر نمی کند. سلار، فقه را به دو بخش عبادات و معاملات تقسیم کرده و بخش دوم را نیز در دو قسمت عقود و احکام، و احکام را نیز به نوبه خود در دو بخش احکام جزایی و سایر احکام دسته بندی کرد. محقق حلی با الهام از ابن روش، کتاب شرایع خود را بر چهار بخش پایه گذاری کرد که به ترتیب عبادات، عقود، ایقاعات و احکام بود (مدرسی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۲۰). علمای بعد از محقق حلی هم روش های مشابهی در پیش گرفتند. وجه اشتراک تقسیم بندی های فقهی قرار گرفتن بخش عبادات در ابتدای مباحث و مباحث

معاملات و احکام قضایی اسلام در میان مباحث و احکام حکومتی در پایان کتاب‌های فقهی است. بر این اساس گزاره‌های فقهی که دال بر تحکیم جامعه اسلامی است را در سه بخش مجزا بررسی می‌کنیم.

فقه عبادی

مفهوم فقه عبادی

فقه عبادی بخشی از فقه است که مبتنی بر رابطه انسان با خدا است. در فقه عبادی به هدف آفرینش و ابزار اصلی رابطه بین خدا و انسان و انجام وظایف بندگی پرداخته می‌شود (مبلغی، ۱۳۸۴، ج ۴۵، ص ۱). فقه عبادی بخشی از اعمال و رفتارهایی است که نیاز به قصد قربت دارد و باید برای نزدیکی به خدا انجام شود و در صورتی که آن اعمال برای غیر خدا باشد؛ مانند سجود یا طواف، حرام است (الحکیم، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۲۴؛ المظفر، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۳۱۰). فقه عبادی کهن‌ترین بخش فقه است؛ زیرا اولین رسالت پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اتصال انسان به خداست. به همین دلیل گسترده‌ترین بخش فقه و مستدل‌ترین بخش فقه اسلامی در مباحث عبادی نهفته است. اولین بخش از استدلال‌ات فقهی کتب فقهی مربوط به بخش فقه عبادی است. این بخش شامل ابواب طهارت، صلاة، زکات، صدقه، خمس، صیام، حج می‌باشد. در این بخش شریعت مقدس اسلام محور اعمال عبادی را بر گزاره‌های مرکزی قرار داده است که به وقوع پیوستن فقه عبادی وابسته به گزاره‌های مذکور است.

جایگاه فقه عبادی در تحکیم جامعه

تأثیر مساجد در جامعه اسلامی

فقه عبادی بر محوریت عبادات جمعی استوار است. عبادات جمعی، از صدر اسلام، عامل اتحاد و تحکیم جامعه اسلامی بوده است. اولین محل اجتماع رسمی مسلمین در مسجد و برای اقامه نماز جماعت بود. مسلمانان پس از هجرت پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اهم و اعم جلسات امور اجتماعی خود از جمله مسائل نظامی، اقتصادی، علمی، اخلاقی را در

مسجد برگزار می‌کردند و همین سنت بعد از پیامبر نیز ادامه یافت و تا قرن‌ها مسلمین به همین شیوه عمل می‌کردند. در آن زمان مسجد به منزله قرارگاه حکومتی عمل می‌کرد و همه امورات مسلمین در مسجد حل و فصل می‌شد. از مهمترین عوامل امنیت در اولین روزهای هجرت و تشکیل حکومت اسلامی، بنای مسجد بود. مسجد در جامعه و تمدن اسلامی تا قرن‌ها نقطه مرکزیت جامعه اسلامی بوده و مهمترین ویژگی تمدن اسلامی در طول قرن‌های متمادی، وجود مسجد بوده است (بینش، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۶۷). بارزترین ویژگی حکومت حضرت علی علیه السلام بنای بازار و دارالاماره در کنار مسجد بوده است و پس از ایشان نیز در شهرهای اسلامی بازارها به مساجد جامع آن شهرها متصل می‌شدند و بازار اسلامی بر محور مسجد بنا شده است. شهرهایی که فرمانروایان اسلامی بنیان گذاردند، دو پایه اصلی داشت: یکی مسجد جامع و دیگر بازار. مسجد جامع، مرکز اجتماعات سیاسی و ابلاغ فرمان‌ها و خواندن خطبه بود. گذشته از آن، کارکرد فکری و عملی نیز داشت و مرکز آموزش عالی بود. مسجد جامع هر شهر در هسته مرکزی و محور اصلی شهر ساخته می‌شد و بخش اساسی و هسته مرکزی «شهر اسلامی» را مساجد خوانده‌اند. در طراحی نقشه‌های شهرهای اسلامی مرکزیت شهر بر مبنای مسجد بود. در شهرهای نوینبند اسلامی، نخست مسجد جامع را در محلی مناسب بنا می‌کردند (بنیاد دائرة المعارف اسلامی، بی تا، ج ۱، ص ۱۸۱) مسجد، اصلی‌ترین مکان تبلیغ دینی نزد همه مذاهب اسلامی است (بنیاد دائرة المعارف اسلامی، بی تا، ج ۱، ص ۳۲۵۱) به طور کلی می‌توان گفت مسجد عامل سلامت روانی جامعه و از عوامل کاهش جرایم می‌باشد (کوشا، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۳). مسلمین در آغاز اسلام از طریق این گردهمایی شبانه روزی توانستند آگاهی کافی و اتحاد صفوف در برابر دشمنان بی‌شمارشان پیدا کنند، و طرح حکومت اسلامی را با سرعت پیش ببرند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱۰، ص ۲۶۶).

از صدر اسلام مساجد محل ایراد خطبه و تحریک عواطف مذهبی و بسیج نیروهای مردمی بود. و اولین محل سخنرانی رسمی خلیفه یا سلطان، پس از رسیدن به قدرت، در مسجد جامع شهر ایراد می‌شد. مساجد به‌عنوان رسانه‌ای سیاسی بود و بسیاری از مطالبات سیاسی و اجتماعی مردم، اعتراض‌های فردی و گروهی و پخش اعلامیه‌ها از مجرای این

رسانه صورت می‌گرفت. برخی ترورها و همچنین تحرکات ضد حکومتی و آشوب‌های سیاسی، عقیدتی و اجتماعی نیز در مساجد رخ می‌داد. مقر حکومت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، مسجد بود و در همانجا به امور اداری و مالی و قضایی جامعه اسلامی رسیدگی می‌شد؛ ولی پس از مدتی با توسعه وظایف حکومت، بسیاری از امور اداری و سیاسی به دارالاماره‌ها، دارالخلافه‌ها و دیوان‌ها منتقل شد. با این حال، مساجد تا قرن‌ها بعد همچنان در امور قضایی فعال بودند به طوری که حضرت علی علیه السلام در مسجد جامع کوفه به کار قضا می‌پرداخت و ذکوة القضا او در وسط مسجد جامع، قرار داشت (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۵۷؛ بنیاد دائرة المعارف اسلامی، بی تا، ج ۱، ص ۴۳۵۴).

این سرگذشت مساجد در طی دوران‌های مختلف نشان از ظرفیت مساجد در اتحاد و انسجام جامعه اسلامی دارد.

تأثیر حج در ایجاد تحکیم جوامع اسلامی

بی‌ظنیرترین عبادتی که جامع همه معارف اسلامی است و دایره شمول آن بین‌المللی می‌باشد، مراسم حج است. حج یکی از شاخص‌ترین برنامه‌های جهان اسلام است و تمام ابعاد سیاسی و اجتماعی را در بر می‌گیرد و سند گویای همیشگی بودن این دین است (جوادی آملی، ۱۳۷۱، ص ۳۷-۴۳). به همین دلیل مهمترین اجتماع مسلمین و بارزترین نشانه اتحاد و اجتماع مسلمین، در مراسم سالانه حج تمتع است. حج تأثیر مهمی در آموزش مسلمین و نشر علم و دانش و وحدت صفوف و وقوت و شوکت مسلمین دارد؛ مراسم حج است که همه سال، میلیون‌ها نفر از مسلمانان را از سراسر جهان به سوی خود فرا می‌خواند و در یک کنگره عظیم جمع می‌کند و آموزش‌های زیادی را در جهات معنوی و مادی به آنها می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱۰، ص ۲۷۱). طبق آیات و روایات مراسم حج حافظ و نگه دارنده مسلمین است (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۲۵، ص ۶۴). حج همواره مورد توجه بزرگان دین بوده، چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام همواره برای ابلاغ مهمترین وقایع مراسم حج را انتخاب می‌کردند. ابلاغ ولایت امیر مومنان در زمان رسول خدا تا وقایع قبل عاشورا و حوادث مهم دیگری در حج بیان شدند. بارزترین منافع این

اجتماع عظیم، ایجاد تفاهم، تحکیم برادری و رفع اختلافات دینی بین طبقات مسلمین است. از بررسی آیات و روایات به دست می آید که دین اسلام، دین اتحاد و یگانگی است، بهترین و مناسب ترین زمان و مکان جهت تحقق این هدف، مراسم حج است. اگر به نماز جماعت سفارش مؤکد شده تا اهالی هر محله به کمک یکدیگر، امور زندگی خویش را اداره نمایند و اگر نماز جمعه مقرر شده تا مردم شهرها گرد هم آیند و در پرتو اجتماع و اتحاد، امور خود را حل کنند، حج هم در هر سال یک مرتبه، در زمان و مکان خاصی واجب شده تا مسلمانان از نقاط مختلف عالم گرد خانه خدا جمع شوند و دست اتحاد و برادری به سوی یکدیگر دراز نمایند و در پرتو آن، مشکلات همدیگر را حل نمایند. پس آثار و منافع مهم حج «وحدت کلمه» می باشد (شکریان، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۵) تأثیر حج در انسجام و استحکام منحصر در یک کشور نیست بلکه حج عبادتی است که استحکام بین المللی مسلمین را حفظ می کند. حج با تداعی قبله مشترک، خدای مشترک، کتاب مشترک و اهداف مشترک باعث ایجاد وحدت ایدئولوژیکی بی نظیری شده است و تمامی عوامل همبستگی را به طور کامل در خود دارد (کلمن، ۱۳۷۷، ص ۴۹)؛ بنابراین تأثیر حج در تحکیم اجتماعی مسلمین تأثیری شگرف و بین المللی است و در سطح جوامع اسلامی تأثیر می گذارد.

جایگاه خمس و زکات در استحکام جامعه اسلامی

خمس و زکات از احکام اقتصادی اسلامی است و به دلیل نیاز به قصد قربت جزء فقه عبادی محسوب می شوند (نجفی جوهری، ۱۳۶۲، ج ۱۵، ص ۴۷۱؛ گلپایگانی، ۱۳۵۲، ج ۱، ص ۲۹۸). در جامعه اسلامی براساس تصریح آیات قرآن کریم و روایات ائمه اطهار علیهم السلام زکات و خمس به طور عمده برای رفع فقر و تأمین حداقل های معیشتی خانوارهای نیازمند وضع شده اند. بنابر روایات، هدف خداوند متعال از وضع زکات، حل مسئله فقر و تأمین حداقل معیشت خانوارهای نیازمند بوده است (کوشا، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۱). به طور کلی می توان گفت: پرداخت خمس اموال، دو نقش اساسی در زندگی مسلمانها بویژه شیعیان ایفا می کند: مادی (توزیع ثروت براساس عدالت اجتماعی) و معنوی (تهذیب نفس).

پرداخت خمس و زکات عامل عدالت اقتصادی بوده و با توجه به وابستگی که طبع انسان به پول و اموال خود دارد با پرداخت خمس و زکات و مبارزه با امیال نفسانی خود از پلیدیهای روحی و روانی پاک می‌شود. آثار اجتماعی خمس، غیر از عرصه‌های فردی، بر اجتماع و نهادهای آن نیز تأثیرات شگرفی دارد از جمله این تأثیرات تقویت حکومت اسلامی است. بخش مهمی از هزینه‌های حکومت اسلامی از طریق خمس و زکات تأمین می‌شود (غفاری، ۱۳۸۶، ص ۷۹)؛ بنابراین پرداخت خمس سبب می‌شود جمع‌کثیری از سادات از فقر نجات یافته و نیازی به ورود حکومت برای رفع نیاز این دسته از مردم نباشد و امنیت اقتصادی این قشر از جامعه تأمین شود (کرمی و پورمند، ۱۳۸۵، ص ۱۵۷) و حکومت بتواند سرمایه‌های خود را در امور عمرانی هزینه کند و در نتیجه حکومت اسلامی با تقویت زیرساخت‌های خود تقویت می‌شود. حکمت دیگر پرداخت خمس و زکات، تعدیل ثروت و تأمین عدالت اجتماعی در بعد اقتصادی است. ثروت در جامعه در صورت انباشته شدن در تصرف عده‌ای خاص سبب بروز اقتصاد سرمایه‌داری می‌شود. در این حالت همیشه عده‌ای از مردم دائماً در فقر به سر می‌برند و عدالت اقتصادی و اجتماعی محقق نمی‌شود و عدم تحقق عدالت همان ظلم می‌باشد، در حالی که حکومت اسلامی باید عاری از هرگونه ظلم باشد. از جمله ثمرات دیگر پرداخت خمس و زکات حفظ جامعه از مفاسد حاصل از فقر (قرائتی، ۱۳۸۱، ص ۴۱)، رفع فاصله طبقاتی (صدر، ۱۳۶۰، ص ۱۶۸)، جلوگیری از احتکار (کلباسی، ۱۳۸۰، ص ۲۷۱) است. به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت پرداخت وجوهات شرعیه تضمین‌کننده جامعه اسلامی سالم و قوی است. هنگامی که تأثیرات فردی و اجتماعی پرداخت خمس و زکات را در کنار روایتی از نبی مکرم اسلام ﷺ قرار می‌دهیم اهمیت این مسئله بیشتر روشن می‌شود. ایشان می‌فرماید: «کاد الفقر أن یکون کفراً» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۰۷) فقر در نزدیکی کفر است. همچنین امیرمؤمنان علی علیه السلام در روایتی فقر را مرگ بزرگ‌تر می‌نامد (سیدرضی، بی‌تا، ص ۵۰۰). این روایات و روایات دیگری که فقر را نکوهش می‌کنند نشان می‌دهد که خداوند انسان را برای زندگی سعادت‌مند و رضایت بخش آفریده است و برای زندگی بدبختانه خلق نکرده است؛ بنابراین با پرداخت زکات و خمس تعادل اقتصادی در جامعه

ایجاد شده و با این تعادل آرامش روانی جامعه تأمین می‌شود. و مردم در سطحی از زندگی آرامش بخش و همراه با رضایت زندگی قرار می‌گیرند و در پرتو آرامش روانی حاصل از عدم فقر رضایت اجتماعی ایجاد شده و نتیجه آن، استحکام روزافزون جامعه اسلامی است.

فقه القضا

مفهوم شناسی

فقه قضایی به احکام صادره از معصومین علیهم‌السلام برای حل و فصل دعاوی و خصومت‌ها در منصب قضاوت گفته می‌شود (مرکز اطلاعات و منابع اسلامی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۱۳). رکن مهم فقه القضا در جامعه اسلامی بر پایه شخص قاضی استوار است و نتایج جمیع احکام قضایی اسلام در حکم نهایی قاضی شرع نمایان می‌شود. منصب قضاوت از شئون حکومتی است و یکی از شعب حکومت در قضاوت نهفته است. کسی که شرایط قاضی شدن را داشته باشد، شأنت حاکم شدن را نیز خواهد داشت (اردبیلی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۵؛ انصاری، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۶). قضاوت یکی از منصب‌های بزرگی است که از جانب خداوند متعال برای پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان معصومین علیهم‌السلام و از جانب آنان برای فقیه جامع‌الشرایط تعیین شده است. منصب قضاوت در دیدگاه اسلام یکی از ارزشمندترین و در عین حال خطرناک‌ترین مناصب اجتماعی است؛ قاضی نیز در یک نگاه نماینده خدا و با فضیلت‌ترین انسان‌ها و در نگاه دیگر از شقی‌ترین مردم شمرده شده است؛ زیرا به تعبیر امیر مؤمنان علیه‌السلام او در جایگاهی می‌نشیند که یا انبیا و اوصیا در آن قرار می‌گیرند و یا اشقیاء بر آن تکیه می‌زنند (یوسفیان، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۵).

جایگاه فقه القضا در ایجاد جامعه مستحکم

اسلام مجموعه بزرگی از نظام‌های ارزشی است که قضاوت و دادرسی در آن نقشی عمده و برجسته دارد. با نگاهی به احوال رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام و همچنین عبارت فقهی علما می‌توان به ارزش و اهمیت این نهاد حساس در تحکیم جامعه پی برد.

اهمیت این نهاد به حدی است که فقیه بزرگ جهان تشیع، صاحب جواهر رحمته الله علیه، حفظ و بقای نظام را وابسته به قضاوت می‌داند و هر گونه مخالفت با ورود قاضی به شهر را اعلان جنگ تلقی کرده (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۴۰، ص ۴۰۴) و آن را مخالفت با امام جامعه می‌داند (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۴۰، ص ۴۰). این میزان اهمیت نشان می‌دهد که در دیدگاه اسلام هیچ کاری هرگز ارجح و ارزشی همدوش اهتمام به دادرسی و رسیدگی به تظلمات را ندارد. به همین جهت در صدر اسلام شخص رسول اکرم صلی الله علیه و آله کفالت امر قضا را بر عهده داشتند. و در آن مباشرت می‌کردند، همچنین برای بلاد دیگر متقی‌ترین و باسوادترین فقها و دانشمندان برای تصدی این مهم را در نظر می‌گرفتند (محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۱). در زمان خلافت امیرمومنان علیه السلام نیز به شهادت تاریخ، ایشان با وجود مشغله حکومت، مسائل قضایی را خود بررسی و نظارت می‌کردند و برای سازماندهی سیستم قضایی کشور همت و عزم جدی داشتند. نقش قضات در هر جامعه‌ای، تضمین کننده سلامت روانی و امنیت آن جامعه است. نقش قضات در جامعه و تأثیری که می‌توانند در جامعه داشته باشند چنان مهم و گسترده است که امیرمومنان علی علیه السلام در مقام ولایت امر مسلمانان، خود را مسئول عملکرد دستگاه قضایی می‌دانست و فقط به پند و اندرز قاضیان یا هشدار و تحذیر آنها اکتفا نمی‌کرد؛ بلکه شخصاً بر عملکرد قاضیان و حتی گاه بر چگونگی احکام قضات، نظارت می‌کرد. توجه و اهمیتی که ایشان برای سیستم قضایی قائل بودند سبب می‌شد با همه مسئولیت‌های سنگین و کارهای فراوانی که بر عهده داشتند، در فرصتی که پیش می‌آمد، به «دکة القضاء» می‌رفت و خود داوری می‌کرد، تا الگویی درست از داوری را در پیش چشم مردم و قاضیان نهاد (ری شهری، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۴۳۰). سیستم قضایی در هر جامعه‌ای به حدی مهم و سرنوشت‌ساز است که مستحکم‌ترین و تزلزل‌ناپذیرترین حکومت، حکومتی است که محکم‌ترین سیستم قضایی را داشته باشد (لنکرانی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۹۱)؛ بنابراین در جامعه اسلامی یکی از ارکان مهم حفظ استحکام اجتماعی و تقویت آن وجود قوه قضائیه بسیار قوی است. این رکن از صدر اسلام مورد توجه بوده و از جمله امور حساس حفظ اساس و بنیان نظام اسلامی به شمار می‌رود.

فقه حکومتی

مفهوم‌شناسی

با تشکیل حکومت صفوی در ایران و رسمیت یافتن شیعه، تحوّل در فقه ایجاد شد؛ زیرا با دعوت پادشاهان صفوی از علما برای نظارت بر مسائل حکومت، فقه حکومتی شکل عملی به خود گرفت. مرحوم محقق کرکی، از جمله کسانی بود که در این زمینه گام‌های مهمی را برداشت و بحث‌هایی مانند ولایت فقیه را مطرح کرد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۱۱۷). مقصود از فقه حکومتی، فقهی است که مبنای شکل‌گیری دولت و نهادهای دولتی و نیز مبنای تصمیمات دولت و تعیین‌کننده شکل، محتوا و جهت‌گیری مقررات و قوانین دولت است. (اراکي، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۷۰). فقه حکومتی، فقهی است که تبیین الگوی نظام اسلامی در ایجاد روابط گوناگون اجتماعی و مدیریت و هدایت و کنترل آن براساس شریعت الهی اسلام را برعهده دارد. بدین جهت، واژه «فقه حکومتی»، به مفهومی اعم از مفهوم واژه «فقه نظام سیاسی» اشاره دارد؛ زیرا شامل فقه مربوط به سایر نظام‌های اجتماعی نظیر: «نظام فرهنگی»، «نظام آموزشی»، «نظام اقتصادی» و غیره می‌شود، درحالی‌که فقه نظام سیاسی، تنها به بررسی و تبیین یک بخش از فقه حکومتی، یعنی فقه نظام سیاسی می‌پردازد. این بخش از فقه مکلف به بیان احکام حکومتی، حاکم جامعه است و وظایف و اختیارات حاکم را بیان می‌کند (موسوی اردبیلی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۳۵).

نقش فقه حکومتی در ایجاد تحکیم اجتماعی

رهبری جامعه اسلامی

براساس احکام اجتماعی اسلام، رکن تحکیم و مانع هرج و مرج در جامعه نقش رهبری است و این حکم به دلیل حساسیت آن بر جامعه اسلامی واجب است (سلطانی، ۱۳۸۸، صص ۴۵-۴۶). افزون بر این حکم اسلامی، بر مبنای مطالعات جامعه‌شناسی، رهبر در هر جامعه نقشی تعیین‌کننده دارد. بر این اساس رهبر جامعه، فردی است که رفتارهای

او، الگوهای رفتاری جامعه را تشکیل می‌دهد و اعضای جامعه تحت تأثیر رهبر قرار دارند (Gouldner, 1950, p17). به بیان دقیق‌تر رهبر فکر و عمل جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Hall, 1972, p244). عنصر رهبر در نظام سیاسی سبب ایجاد ارزش‌های مشترک می‌شود. ایجاد ارزش‌های مشترک از عوامل تحکیم جامعه و نیل به نتایج مطلوب وابسته به ارزش‌های مشترک است. (Ney, 1990, p17). ارزش و باور مشترک در جامعه اسلامی، تبعیت از نظام ولایت و امامت است (بهشتی، ۱۳۶۱، ص ۲۳). ولایت و امامت محکم‌ترین رکن جامعه اسلامی و به تعبیر معصومین علیهم‌السلام حاکمیت، یکی از واجبات الهی است (هلالی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۷۵۲). روابط بین مردم و امامت باید چنان محکم باشد که اگر ضربه‌ای به امام جامعه وارد شد تمام امت آن ضربه را حس و احساس ناراحتی بکنند (بهشتی، ۱۳۸۶، صص ۴۲-۴۳). براساس آیات شریفه قرآن کریم حکومت، ولایت و رهبری بر انسان‌ها منحصر به خدای متعال است. پس از خدا و در طول ایشان به واسطه دستوری که از جانب خداوند به انسان‌ها داده شده است، انبیا و ائمه، ولایت جامعه اسلامی را بر عهده دارند. ولایت ائمه و انبیا در بیان آیات قران تحت عنوان ائمه ایمان و در مقابل ائمه کفر بیان شده است. ولایت ائمه و انبیا منشأ همه‌ی نیرو، نشاط و فعالیت‌های آن جامعه است. مرکزیت جامعه، مرکزیت همه قوانین و امامت جامعه ذیل مفهوم ولایت قرار دارد (خانم‌های، ۱۳۷۸، ص ۱۳). ولایت امام معصوم، رکن معنوی جهان هستی و بقای نظام تکوین و تشریح است (ری شهری، ۱۳۸۱، ج ۶، ص ۱۰۵). براساس نظر مشهور فقهای شیعه و همچنین تصریح فقهایمانند شیخ مفید در المقنعه (مفید، ۱۴۱۰، صص ۶۷۵ و ۸۱۰) و ملا احمد نراقی در عوائدالایام (نراقی، ۱۴۰۸، ص ۱۸۷) و صاحب جواهر در جواهرالکلام (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۱۶، ص ۱۸۷)، پس از ائمه و در زمان غیبت ولایت به فقهای جامع‌الشرایط و راویان حدیث منتقل می‌شود. و در غیر این صورت اگر ولایت و حکومت منتقل نشود سبب معطل ماندن احکام شرع می‌شود و معطل ماندن احکام شرع حرام است. بر این اساس طبق احکام حکومتی شیعه، ولایت و حاکمیت هر شخصی که منصوب از جانب امام معصوم نباشد حرام است (شیخ انصاری، بی‌تا، ج ۱، ص ۶). ولایت گرچه در مرتبه اول متعلق به خداوند بعد به رسول و ائمه معصومین علیهم‌السلام است لیکن در مراتب بعدی به وارثان واجد

شرایط آنها انتقال یافته و از این طریق استمرار می‌یابد. براساس نقل‌های تاریخی انتقال ولایت به عاملان حکومتی در زمان حیات سیاسی پیامبر ﷺ و خلافت امیرمؤمنان ﷺ امری مسلم بوده و استمرار آن در زمان غیبت به دلایل عقلی و نقلی مبرهن می‌باشد (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۲۲۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۷۲؛ علامه طباطبائی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۴)؛ بنابراین ولایت امام معصوم و پس از امام، ولایت فقیهان جامع‌الشرایط مهمترین و برجسته‌ترین عامل تحکیم جامعه اسلامی است. این عامل به قدری مهم و حیاتی است که تأثیر آن در عالم تشریح نیز عامل پذیرش عبادات فردی و اجتماعی جامعه اسلامی است؛ بنابراین ولایت امام معصوم و ولایت جانشینان ائمه معصومین ﷺ در زمان غیبت در عالم تشریح و تکوین دارای اهمیت فراوانی بوده و عمود خیمه دین و فعلیت یافتن احکام الهی وابسته به تحقق ولایت می‌باشد (اراکی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۲۴). ولایت در حقیقت استمرار نبوت و ظهور نبوت در بروز ولایت است (خامنه‌ای، ۱۳۷۸، ص ۱۳).

نتیجه‌گیری

بخش‌های مختلف فقه اسلامی، نشان از ظرفیت‌هایی می‌دهد که رکن قوام و استحکام جامعه اسلامی هستند. این ظرفیت‌ها در قول و فعل معصومین ﷺ چنان مورد توجه قرار گرفتند که برای نیل به این گزاره‌ها مجاهدت‌های بسیاری در طول تاریخ رخ داده است. این میزان اهمیت نشان می‌دهد این عناوین فقهی، راز استواری جامعه اسلامی هستند و برای بقا و دوام جامعه متشکل از انسان‌های مسلمان باید این گزاره‌ها تقویت و توجه روز افزونی به آنها بشود. هرچند این گزاره‌ها تقویت و مورد توجه باشند جامعه اسلامی پر قدرت‌تر و انسجام بیشتری خواهد داشت و به تبع آن، اگر مورد بی‌توجهی قرار گیرند جامعه دچار انشقاق خواهد شد. در تاریخ معاصر ظهور انقلاب اسلامی نمونه‌ای از توجه به این گزاره‌ها بود. چنانکه بر همگان روشن است این انقلاب از مساجد شروع شد. مساجد در این انقلاب مراکز اتحاد و همبستگی مردم بود. مساجد در قبل انقلاب و بعد از انقلاب در دوران جنگ توانست بیشترین کارکرد را در شکست نقشه‌های دشمنان ایفا کند؛ بنابراین سه گزاره‌ای که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت، سه ضلع

استحکام جامعه اسلامی در همه دوران‌ها خواهد بود. تا زمانی که اجتماع مسلمین در مساجد گردهم، عبادات جمعی را به‌جا بیاورند و براساس فلسفه عبادات جمعی از یکدیگر دفاع کنند و حقوق یکدیگر را رعایت کنند و در کنار آن حقوق مالی واجبه خود را پرداخت کنند و در زمان اختلافات به قاضی شرع رجوع کنند، شاهد مستحکم‌ترین جامعه انسانی خواهند بود. چنین جامعه‌ای با تمسک و حلقه زدن در اطراف مقام ولایت معصومین علیهم‌السلام و با علم و عمل به فرامین امامان معصوم علیهم‌السلام در زمان حضور و با تمسک به ولی فقیه به‌عنوان جانشین امام در دوران غیبت تبدیل به جامعه‌ای قوی و نفوذناپذیر می‌شود. نمونه عملی این استحکام در دوران رسول خدا قابل مشاهده است. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در جنگ بدر با همبستگی مسلمانان لشکر کفر را شکست دادند، اما انشقاق مسلمانان و عدم تبعیت از اوامر رسول خدا در جنگ احد سبب شکستی سنگین و شهادت عموی پیامبر شد. این نمونه‌ها اثرات این گزاره‌ها را به خوبی نشان می‌دهد؛ بنابراین برای نیل به جامعه اسلامی قوی و محکم، بناچار باید زیرساخت‌های فقهی را در جامعه ایجاد کرد و با عملی شدن این زیرساخت‌ها، جامعه‌ای محکم خواهیم داشت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- ابن سینا. (۱۳۷۷). الهیات نجات (مترجم: سیدیحیی یثربی). تهران: انتشارات فکر روز.
- ابن منظور. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (چاپ سوم). بیروت: دار صادر.
- احمد بن ادريس حلی. (۱۴۱۸). السرائر (چاپ دوم). قم: موسسه النشر الاسلامی.
- اراکي، محسن. (۱۳۹۳). فقه نظام سیاسی اسلام (چاپ اول). قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
- اراکي، محسن. (۱۳۹۳). گفت‌وگو بیداری اسلامی (چاپ اول). قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
- اردبیلی، عبدالکریم. (۱۳۷۵). همپای انقلاب (چاپ اول). قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- اردبیلی، عبدالکریم. (۱۳۸۱). فقه القضاء (چاپ اول). قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- ازهری، محمد بن احمد. (بی‌تا). تهذیب اللغة. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- اسماعیل بن عباد. (بی‌تا). المحيط فی اللغة. بی‌جا: انتشارات عالم الكتاب.
- انصاری، شیخ مرتضی. (۱۴۱۵ق). القضاء و الشهادات (چاپ اول). قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- انصاری، مرتضی. (بی‌تا). مکاسب المحرمه. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- بنیاد دائرة المعارف اسلامی. (بی‌تا). دانشنامه جهان اسلام. تهران: بی‌نا.
- بهشتی، محمدحسین. (۱۳۶۱). بررسی و تحلیلی از جهاد، عدالت، لیبرالیسم، امامت. تهران: ستاد برگزاری مراسم هفتم تیر.
- بهشتی، محمدحسین. (۱۳۸۶). ولایت، رهبری و روحانیت. تهران: بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های آیت الله بهشتی.
- بینش، عبدالحسین. (۱۳۸۹). آشنایی با تاریخ تمدن اسلامی. قم: زمزم هدایت.

- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۱). صهای صفا. تهران: انتشارات مشعر.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۲). شریعت در آینه معرفت (چاپ اول). تهران: مرکز نشر فرهنگی رجا.
- جوهری فارابی، أبو نصر إسماعیل بن حماد. (۱۴۰۷ق). الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه. بیروت: دارالعلم للملایین.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۸). ولایت (چاپ اول). تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- خطیبی، محمد. (۱۳۸۴). بررسی تطبیقی جامعه اسلامی و جامعه مدنی. قم: زمزم هدایت.
- رازی، احمد بن فارس. (۱۳۹۹ق). معجم مقاییس اللغة. قم: دارالفکر.
- زیبیدی. (بی تا). تاج العروس من جواهر القاموس. بی جا: دارالهدایة.
- زمخشری. (۱۴۱۹ق). اساس البلاغة (چاپ اول). لبنان: دارالکتب العلمیه.
- سلطانی، محمدعلی. (۱۳۸۸). اهداف دنیوی فقه. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- سیدرضی. (بی تا). نهج البلاغه. بیروت: دار الکتب اللبنانی.
- شریعتی، علی. (۱۳۶۱). میعاد با ابراهیم (مجموعه آثار). تهران: انتشارات مونا.
- صدر، موسی. (۱۳۶۰). مبارزه اسلام با فقر و گرسنگی. تهران: انتشارات جهان آرا.
- طباطبایی حکیم، سیدمحسن. (بی تا). حقائق الاصول. قم: مکتبه بصیرتی.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۸۲). روابط اجتماعی در اسلام (چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۸۸). شیعه در اسلام (چاپ پنجم). قم: موسسه بوستان کتاب.
- غفاری، هادی. (۱۳۸۶). نظام اقتصادی صدر اسلام. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- فارابی، ابونصر. (۱۳۵۹). اندیشه‌های اهل مدینه فاضله (مترجم و حاشیه: سیدجعفر سجادی). تهران: انتشارات طهوری.
- فاضل موحدی لنکرانی، محمد. (۱۳۸۸). آیین کشور داری از دیدگاه امام علی علیه السلام (چاپ دهم). قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.

- فراهیدی، خلیل بن احمد. (بی تا). العین. لبنان: دارالمکتبه و الهلال.
- فیروزآبادی، محمدبن یعقوب. (بی تا). القاموس المحيط. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- الفیومی، احمد بن محمد. (۱۴۱۸ق). المصباح المنیر. لبنان: المکتبه العصریة.
- قرائتی، محسن. (۱۳۸۱). زکات (چاپ دوم). تهران: ستاد اقامه نماز.
- کرمی، پورمن؛ محمد مهدی، محمد. (۱۳۸۵). مبانی فقهی اقتصاد اسلامی. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کلباسی، مجتبی. (۱۳۸۰). زکات در اندیشه‌ها (چاپ اول). تهران: ستاد اقامه نماز.
- کلمن، جمیز. (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی (مترجم: صبوری) تهران: نشر نی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (چاپ چهارم). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کوشا، غلام حیدر. (۱۳۸۹). کنترل اجتماعی غیر رسمی از منظر آیات و روایات، فصلنامه معرفت فرهنگی-اجتماعی، سال اول، شماره سوم، صص ۶۹-۸۸.
- گلپایگانی، سیدمحمد رضا. (۱۳۵۲). وسیلة النجاة. قم: نیکنام.
- مبلغی، احمد. (۱۳۸۴). فقه سیاسی، فصلنامه فقه، سال دوازدهم، شماره ۴۵، صص ۳-۱۰.
- محقق داماد، سیدمصطفی. (۱۴۰۶ق). قواعد فقه (چاپ دوازدهم). تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۲). دانشنامه امیرالمؤمنین علیه السلام بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ. قم: دارالحديث.
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۴). دانشنامه میزان الحکمه. قم: دارالحديث.
- مدرسی، سیدحسین. (۱۳۶۸). مقدمه‌ای بر فقه شیعی. مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی. (۱۳۸۹). فرهنگ نامه اصول فقه (چاپ اول). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۰). مجموعه آثار. قم: صدرا.

مظفر، محمدرضا. (۱۳۷۰). اصول الفقه (چاپ چهارم). قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.

مظفری، آیت. (بی تا). اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری. قم: زمزم هدایت.

مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۰ق). المقنعه. قم: موسسه النشر الاسلامی.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۶). پنجاه درس اصول عقاید برای جوانان (چاپ هجدهم). قم: نسل جوان.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۶). پیام قرآن (چاپ نهم). تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۷ق). استفتانات جدید (چاپ دوم). قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۷ق). دائرةالمعارف فقه مقارن (چاپ اول). قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.

موسوی، خمینی. (۱۳۶۱). صحیفه نور. تهران: موسسه نشر آثار امام خمینی رحمه الله علیه.

نجفی جواهری، محمدحسن. (۱۳۶۲). جواهر الکلام (چاپ هفتم). بیروت: دار إحياء التراث العربی.

نراقی، احمد. (۱۴۰۸ق). عوائد الایام. قم: بصیرتی.

نیک گهر، عبدالحسین. (۱۳۶۹). مبانی جامعه شناسی. تهران: انتشارات ریزن.

واعظی، احمد. (۱۳۷۷). جامعه دینی و جامعه مدنی (چاپ اول). قم: پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی.

هلالی، سلیم بن قیس. (۱۴۱۵ق). کتاب سلیم (محقق: باقر زنجانی). قم: نشر الهادی.

یوسفیان، نعمت اله. (بی تا). احکام حقوقی اسلام (چاپ اول). تهران: نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران.

Gouldner, Alvin. (1950). *Studies Inleadership*, Harper and row.

Hall, Rechar (1972). *Organisations:structure and process*, Englewood cliffs

Nye, Joseph. (1990). the changing nature of worid power, *Political Science Quarterly*, vol 105. no2.